

بزرگ و کوچک

شروع



خواهر کوچک من نیاز به مراقبت بیشتری دارد.

خواهر کوچکم نمی‌تواند به تنهایی غذا بخورد. صبر می‌کنم تا کار مامان تمام شود.

او خودش را به ناتوانی می‌زند تا بیشتر به او توجه کنند.



من هم خودم را ناتوان نشان می‌دهم تا به من بیشتر توجه کنند.



او نمی‌داند چه چیزهایی خطرناک‌اند.

ممکن است او کار خطرناکی انجام دهد، بهتر است به او بیشتر توجه کنم.

گاهی در غذا دادن به او کمک می‌کنم.



نیازهای خواهرم به من ربطی ندارد.

او را می‌ترسانم تا دیگر سرانگم نیاید.



همه‌ی خرابی‌های خانه را به گردن او می‌اندازم.



اگر طرف کار دستی‌ام بیاید، داد می‌زنم.

او به راکت مورد علاقه‌ام دست می‌زند، خوب زیاد هم عیبی ندارد.

او دوباره کیف مرا برداشته اما با او لجبازی نمی‌کنم.

او را هل می‌دهم تا از من دور شود.



مقداری از خوراکی‌ام را برای او نگاه می‌دارم.

به او یاد می‌دهم چگونه سوار سه‌چرخه‌اش شود.



گاهی برایش کتاب می‌خوانم.

به حرف‌ها و احساسات او توجه می‌کنم.

به شیرین‌زبانی‌هایش می‌خندم و کلمات تازه به او یاد می‌دهم.



وقتی می‌خواهم تنهایی بازی کنم، اجازه می‌دهم او با وسایل من سرگرم شود.

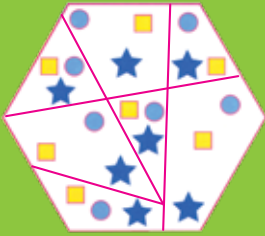


• نویسنده: لیلا سلیقه‌دار
• تصویرگر: سام سلماسی

دیروز تولد سه سالگی خواهر پدرام بود. همه برای خواهر پدرام هدیه آوردند. اما پدرام اصلاً خوشحال نبود. پدرام می‌گوید: «خواهرم برای من فقط دردسر است. او همیشه مزاحم من است و نمی‌گذارد من به کارهای مدرسه‌ام برسیم. نمی‌گذارد تنهایی بازی کنم. به خاطر همین، بیشتر وقت‌ها از بودن او عصبانی‌ام.»
پدرام خواهرش را دوست دارد. اما گاهی احساس می‌کند که خواهرش واقعاً مزاحم آسایش اوست! به نظر شما، پدرام باید چه کارهایی انجام دهد تا از این که یک خواهر کوچک دارد، بیشتر خوشحال باشد؟

پاسخ سرگرمی

معمای دوستان



پیدا کن!

گزینه‌ی «د»

جواب چستان‌ها

۱. نوشته ۲. نقطه ۳. یک خواهر

چند مربع

۳۰ مربع

جدول درست و نادرست

در این جدول، در هر خانه راه‌حلی نوشته شده است. هر خانه، به خانه‌های بعد راه دارد. اگر از خانه‌ی شروع، حرکت کنی، می‌توانی به نتیجه‌ی درست برسی. فقط یکی از راه‌ها به نتیجه‌ی درست می‌رسد. برای پیدا کردن این راه، یک مداد بردار و راه مناسب را با توجه به درست یا غلط بودن نوشته‌ها، دنبال کن تا به خانه‌ی رنگی برسی. پاسخ درست جدول، در همین صفحه آمده است.

وسایلم را جایی می‌گذارم که او ببیند اما نتواند بردارد!



هر چیزی برای او بخرند، من هم می‌خواهم.

موقع گریه کردن او، سروصدا می‌کنم تا تمامش کند.



همه‌ی هدیه‌های او را خودم باز می‌کنم!

من هم قبلاً کوچک بودم و مثل خواهرم خیلی به توجه دیگران احتیاج داشتم.

می‌دانم پدر و مادرم ما را به یک اندازه دوست دارند.



فکر می‌کنم پدر و مادرم هیچ وقت به من توجه نمی‌کنند.

بچه کنجکاو است. باید این را بدانم.



در اتاقم را قفل می‌کنم و در آن می‌مانم تا او مزاحم من نشود.

وسایلی را که خیلی بر ابریم مهم است دور از نگاه و دسترس او قرار می‌دهم.

اگر یکبار او را بزنم، دیگر مزاحم من نمی‌شود.

نمی‌گذارم کارهایی را انجام دهم. به پدر و مادرم شکایت می‌کنم.

گاهی با او بازی‌های مورد علاقه‌اش را انجام می‌دهم.



او از من مهربانی و گذشت را یاد می‌گیرد و مثل من می‌شود.

هرگز به او حرف زشتی نمی‌زنم و با او قهر نمی‌کنم.

گاهی او را با نقاشی سرگرم می‌کنم تا بتوانم تکلیفم را انجام دهم.



با او دعوا نمی‌کنم و سرش داد نمی‌زنم.

بازی‌های یک نفره را پیش او انجام نمی‌دهم.



وقتی خواب است خیلی از کارهای مهم را انجام می‌دهم.

من از او بزرگ‌ترم، پس همیشه حق با من است.



پاسخ جدول درست و نادرست

راه‌حل درست را در این مسیر می‌بینید.

